



بهار سال ۷۲۸ پیش از میلاد بود جهان در تب و تاب ایجاد و زایش بزرگترین تمدن تاریخ خویش قرار داشت . سواران بسیاری به سوی هگمتانه روان بودند همه بر این باور که باید دست در دست یکدیگر کشوری یگانه را بنا نهند . در این بین جوانی خوش سیما و بلند نظر نگاه همه ریش سفیدان را شیفته خود ساخته بود همه ایمان داشتن او می تواند چنین کار بزرگی را به سامان برساند .

دیاکو از تیره ماد ( یکی از سه تیره ایرانی پارت ، ماد و پارس ) بود مردم او را به خردمندی و دادگستری می شناختند و برای بر طرف شدن دعاوی بزرگ خویش از او کمک می خواستند .

**ریش سفیدان سه تیره آریایی در فصل رویش شقایق های سرخ ، دیاکو نخستین فرمانروای ایران را برگزیدند .**

ادامه در ادامه نوشتار

این مطلب را از دست ندهید

در آن مجلس دو زن هم در میان ریش سفیدان و بزرگان بودند که هر دو از تیره پارت و پهلوی بودند سه روز پس از انتخاب دیاکو به فرمانروایی از نزدیک با او دیدار کردند و به او گفتند در آشور زنان تحت فشار سارگون (سارگن) هستند و هیچ حقی ندارند آیا تو هم به آن راه خواهی رفت که اگر اینطور

باشد دوستی میان ما نیست دیاکو با وجود جوانی گفت ایران سرزمین آزادگان خواهد بود در آزادی و و ارستگی هر که بلندتر باشد میدان بزرگتری در اختیار خواهد داشت .

دیاکو ۵۳ سال پادشاهی کرد و همه در او دادگستری و گذشت را به نیکی دیدند چنانچه ارد بزرگ اندیشمند نام آشنای کشورمان می گوید : خود را برای پیشرفت مردم ارزانی دار تا مردم پشتیبان تو باشند . دیاکو توانست با پادشاهی شایسته خویش پایه اتحاد جاودانه سه تیره بزرگ آریایی ایران را بریزد که امروز همه ما به این همبستگی افتخار می کنیم .

دولت ماد یکی از سه تیره آریایی ( ماد، پارس و پارت ) فلات ایران است در سال ۱۳۳۲ پیش از تاریخ خورشیدی بود . مردم ایران او را به پادشاهی برگزیدند. شاهنشاه دیاکو همدان ( هگمتانه ) را به پایتختی خود برگزید و در آن بر روی تپه‌ای، هفت دژ تو در تو ساخت و هر یک را به رنگ ویژه‌ای در آورد. دیاکو ۵۳ سال بر ایران فرمانروایی کرد او توانست اتحادی تاریخی بین تیره های مختلف نژاد آریایی ایجاد نماید .

دیاکو ابتدا توانست ۷ طایفه قوم ماد را با هم متحد کند ، وی سپس به عنوان رهبر و قاضی آن ۷ طایفه انتخاب شد که این مساله در سال ۷۰۱ قبل از میلاد مسیح اتفاق افتاد. پس از ۷ سال رهبری در بین این ۷ طایفه، وی از طرف مادها ، پارسها و پارتها به عنوان پادشاه ایران انتخاب شد و تا سال ۶۵۶ قبل از میلاد مسیح حکومت کرد. ماجراهای به قدرت رسیدن دیاکو در کتاب تاریخ هرودوت آمده است. دیاکو پسر کیاکسار (کسی که می تواند خوب نشانه گیری کند) و کیاکسار نام پدرش دیاکو را بر فرزند گذاشته بود .

فرهاد پسر دیاکو و دومین پادشاه ایران بود و بین سالهای ۶۶۵ قبل از میلاد تا ۶۳۳ قبل از میلاد حکومت کرد. مانند پدرش ، فرهاد هم جنگ بر علیه آشوریان را آغاز کرد اما متاسفانه شکست خورد ، به دست آشور بنی پال افتاد و به دست او کشته شد. جانشین فرهاد ، کیاکسار نام داشت او ارتش ماد را تجدید سازمان و نوسازی کرد و با نبوپلّسر شاه بابل متحد شد. برای استوارسازی این اتحاد، دختر کیاکسار به نام امتیس به همسری پسر نبوپلّسر یعنی بخت‌النصر دوم درآمد. امتیس از زندگی در جلگه میان‌رودان دلگیر شد و برای کوه‌های بلند همدان و ایران دلتنگی بسیار کرد. از این رو بخت‌النصر دوم به عنوان هدیه برای همسرش دستور ساختن باغ‌های معلق بابل را داد تا بلندای دیوارهای آن برای امتیس حکم کوهساران را داشته باشد.

کیاکسار در جوانی، شکست پدرش، فرهاد را در برابر آشوری ها دیده بود و آن درس عبرتی آموخته بود. او فهمید که برای مقابله در برابر آشوریان، می بایست نیروی نظامی مجهزی تشکیل دهد. زیرا سربازانی که رؤسای زمین دار جمع آوری می کنند، هرگز از عهده ی سپاه منظم بر نمی آیند. از این رو، بر آن شد که سپاهی رزمی، مانند آشور، بنا کند. این نیرو، مجهز به تیر و کمان و شمشیر و سواره نظام ماهر بود.

کیاکسار با این نیروی نظامی، به سوی نینوا حرکت کرده، آن شهر را محاصره کرد. اما پس از مدتی، به او خبر رسید که سکاها، به ایران هجوم آورده اند. او دست از محاصره برداشت و به مقابله با آنان شتافت. کیاکسار، در شمال دریاچه ی ارومیه، نبردی سخت با آنان کرد و از آنان شکست خورد. سکاها، ۲۸ سال بر سرزمین ماد تسلط یافتند و کیاکسار، در این مدت، مطیع آنان بود. سکاها، شهر سقز را بنا کردند و آن شهر را پایتخت خود قرار دادند.

با گذشت زمان، کیاکسار، تصمیم به بیرون راندن سکاها گرفت. او، فرمانده ی سکاها و سردارانش را به یک میهمانی دعوت کرد و همه ی آنان را یکجا مسموم کرد. سپس، لشکریان سکاها را از سرزمین ایران بیرون راند.

چون از این جهت، آسودگی خاطر فراهم شد، کیاکسار برای بار دوم، تصمیم به نابودی آشوریان گرفت. او و نبوپلسر توانستند با همیاری، امپراتوری آشور را درهم شکسته و پایتخت آن یعنی شهر نینوا را در ۶۱۲ پ.م فتح کنند. ساراگوس، چون در برابر ایرانیان و آشوریان، تاب مقاومت نیاورد، خود و خانواده اش را در آتش، سوزاند. سپس، شهر نینوا، با خاک یکسان شد و دنیا از جنایات دولت ستمگر آشور، رهایی یافت.

پس از این پیروزی، ایرانیها میان رودان ( بین النهرین )، ارمنستان و بخشهایی از آسیای صغیر و بخش شرقی رود قزل ایرماق را نیز ضمیمه امپراطوری خود کردند. در این شرایط رود قزل ایرماق به عنوان مرز بین امپراطوری قدرتمند ایران و سرزمین لیدیه شد. جنگ معروف بین ایرانی ها و لیدی ها که با نام جنگ قزل ایرماق معروف است، در ۲۸ ماه می ۵۸۵ قبل از میلاد مسیح، به دلیل کسوف ناگهانی پایان یافت.

کیاکسار پس از این که جنگ با پیروزی پسرش، آستیگ به پایان رسید از دنیا رفت. آستیگ مرزهای ایران را تا اروپا گسترش داد او پدر بزرگ مادری کوروش هخامنشی بود.

درود بر دلیران این مرز بوم ، روحش شاد و یادش گرامی باد

[www.parsiandej.ir](http://www.parsiandej.ir)

پارسیان دژ